



ناصر نادری

نگاه نجیبانه یک الاغ!

❶ اگر درس و مشق، اینترنت، تلفن همراه و ... اجازه داد، پرده را کنار بزن و از پنجره به دانه‌های برف، این شکوفه‌های سفید و معلق در هوا نگاه کن! اگر تنبلی و بی‌حوصلگی اجازه داد به حیاط برو و روی برف‌ها قدم بزن! صدای کِرت کِرت برف‌های زیر پایت را می‌شنوی؟ به شاخه‌های لخت و برفی درختان کوچک نگاه کن! شاید کلاغی آنجا باشد که هراسان قارقار می‌کند یا گنجشکی کوچک آنجا کز کرده باشد. این رد پای گربه‌هاست. نگاه کن آن گوشه ایستاده‌اند و تو را نگاه می‌کنند!

باور کن غیر از آدم‌ها، هستند موجوداتی که باید به آنها فکر کنی و دغدغه زندگی آنها را داشته باشی. تو، روی زمین و در زیر آسمان خدا، زندگی می‌کنی و در همسایگی‌ات، جانوران، درخت‌ها، پرنده‌ها و ... هستند.

نمی‌دانم اهل کوه‌نوردی و طبیعت‌گردی هستی یا نه. کوه، جنگل، دریا و بیابان دنیای اسرارآمیزی دارند. طبیعت خدا، دور از هیاهوی شهر و عادت‌های روزمره چه کیفی دارد! چه زیباست تصویر باد در قله کوه، پرواز پر شکوه عقاب در سینه آسمان، حرکت پرشتاب ابرهای پنبه‌ای، بازی نور و سایه در چمنزار، شرشر مهربانی جویبار در پای درختان، جیغ بلند پرستوها و سارها، نگاه نجیبانه یک الاغ در گندمزار و ...

راستش، یکی از رازهای مهربانی، همین دوست داشتن طبیعت و دقت در جزئیات آن است، فقط یادت باشد، اگر به دامن طبیعت رفتی، زباله‌ای در آن نریزی، شاخه‌ای را نشکنی، آبی را

آلوده نسازی و حیوانی را نترسانی!

دوست خوب من!

طبیعت و محیط‌زیست را دوست داشته باش. اگر کسی طبیعت را دوست داشته باشد، خدا و دیگران را هم دوست خواهد داشت.

عبور از پنجره

یکی از رازهای مهربانی، دوست داشتن طبیعت و دقت در جزئیات آن است

۲

مهرمان
۱۳۹۲





یال اسب را نچینید!

❶ در کتابی خواندم: پیامبر عزیز اسلام، حضرت محمد (ص)، آب دادن به ریشه‌های درخت هنگام کاشتن و پیش از ریختن خاک را مستحب برمی‌شمرد و می‌فرمود: «اگر می‌خواست قیامت برپا شود، و در دستتان نهالی بود، اگر فرصت داشتید نهال را بکارید!»

پیامبر مهربان ما گل‌ها را دوست داشت. می‌فرمود: «فرشتگان بوی گل سرخ می‌دهند، اگر کسی به شما گل هدیه داد، آن را بوسید و بر چشمانتان بگذارید که آن از بهشت است.» در فتح مکه، بین راه در کنار آبی، سگ ماده‌ای را دید که توله‌هایش را شیر می‌داد. پیامبر خدا به یکی از یارانش فرمود: «کنار این سگ‌ها بایست تا کسی اذیتشان نکند!»

هم او فرمود: «مردی از راهی می‌گذشت. تشنه شد. چاه آبی پیدا کرد، وارد آن شد و آب نوشید. وقتی بیرون آمد، سگ تشنه‌ای را دید که لهله می‌زد و خاک مرطوب را می‌لیسید. مرد با خود گفت حیوان هم تشنه است سپس دوباره وارد چاه شد. کفشش را پر از آب کرد. آن را به دندان گرفت، از چاه بیرون آمد و سگ را سیراب کرد. خداوند، آن مرد را به خاطر آن کار، وارد بهشت کرد!»

می‌فرمود: «یال اسب را نچینید؛ زیرا اسب با یالش گرم می‌شود.»

امام علی (ع) نقل کرده‌اند: «هنگامی که پیامبر خدا وضو می‌گرفت، گربه‌ای به او پناه آورد. حضرت فهمیدند که گربه تشنه است. کاسه آب وضو را کج کرد تا گربه بنوشید. بعد با باقی مانده آب وضو گرفت.»

برای بچه گربه ناراحتید؟

❶ شاید نام علامه سید محمدحسین طباطبایی را شنیده باشید. او دانشمند بزرگ و نویسنده کتاب «تفسیر المیزان» است. دخترش نقل می‌کند: «روزی به دیدن پدرم رفتم. دیدم خیلی ناراحت است. علت را پرسیدم. فهمیدم بچه گربه‌ای داخل چاهک حیاط خلوت خانه افتاده و پدرم از دیروز پریشان شده است و نه غذا می‌خورد و نه استراحت می‌کند.»

خندیدم و گفتم: «برای بچه گربه ناراحتید؟» پدر گفت: «بشر باید عاطفه داشته باشد. آدم بی‌عاطفه با قرآن دوست نیست.»

بعد کارگری آمد چاهک را شکافت و بچه گربه نجات پیدا کرد.